نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
دوره ۱۲، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۴۳
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات ۷۶ ـ ۵۳

Scientific Journal
The History Of Islamic Culture and Civilization
Vol. 12, Summer 2021, No. 43
Scientific Research Article

واکاوی نقش ائمه اطهار علیهم‌السلام در ارتقای منزلت اجتماعی «اُمّ ولدها»

با تأکید بر مادران ائمه علیهم‌السلام

ملیحه دانشمند* / شهربانو دلبری** / سید حسین رئیس‌السادات***

چکیده

با گسترش قلمرو اسلامی و فتح مناطقی از آسیا و شمال آفریقا در سده های اول و دوم هجری قمری و ورود بردگان و اسرا، بستر مناسبی برای کنیزداری جامعه عرب فراهم شد. گروهی از این کنیزان که از مولای خویش صاحب فرزند شدند، اُمّ ولد نامیده می‌شدند. پژوهش پیش رو درصدد است رویکرد افراد جامعه نسبت به اُمّ ولدها و نقش ائمه اطهار علیهم‌السلام در ارتقاء منزلت اجتماعی آن‌ها را مورد واکاوی قرار دهد. بدین منظور نوشته‌های تاریخی و غیر تاریخی برای درک اجتماعی موضوع، مطالعه و سپس پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی ارائه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در شرایطی که کنیزان و اُمّ ولدها در جامعه‌ی عرب جایگاهی نداشتند و مورد تحقیر و تبعیض قرار می‌گرفتند، ائمه علیهم‌السلام ضمن حمایت حقوقی از کنیزان، با آزاد کردن و انتخاب آنها به عنوان همسر، عملاً الگویی از رفتار درست و اسلامی را در چارچوب خانواده ارائه دادند و جایگاه و منزلت اُمِّ ولدها را به عنوان همسران و مادران فرزندان خود ارتقاء بخشیدند.

واژگان کلیدی

امامان شیعه، برده داری، امه، اُمّ ولد، کنیزان، منزلت اجتماعی.

---

*. دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
malihedaneshmand@gmail.com
**. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
tarikh-2003@yahoo.com
***. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.sh_rais@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

طرح مسئله

برده‌داری در شبه‌جزیره عربستان قبل از ورود اسلام به‌صورت گسترده وجود داشت. درواقع یکی از سنجه‌های سیستم اقتصادی حاکم بر عرب جاهلی، برده‌داری بود. بدون شک عوامل متعددی در گسترش برده‌داری در میان عرب‌ها نقش داشته که بهره‌کشی اقتصادی، تجارت، شهوت‌رانی و فرزندآوری[۱] از سوی عربِ غالب و شکست، بی‌خانمانی، اسارت[۲]، فقر[۳] و بی‌سرپرستی از سوی کنیزِ مغلوب، از عوامل اصلی بودند. بردگان در حجازِ قبل از اسلام، پست‌ترین و پایین‌ترین طبقه اجتماعی عرب را تشکیل می‌دادند و هیچ حرمت و جایگاهی در اجتماع نداشتند. به‌گونه‌ای‌که پس از خرید برده ـ و البته تنها در مورد مردان ـ ریسمانی را به گردنش می‌بستند و او را مانند چهارپایان به منزل خود می‌بردند.[۴] انتخاب همسر از میان کنیزان از نظر آنان امری ناپسند و بیشتر برای ازدیاد نسل، بهره‌کشی اقتصادی یا تبارداری برای قدرت بود. عرب با دادن لقب «ولید» به‌کنیززادگان، جایگاه دون‌پایه آنان را در جامعه روشن می‌ساخت.[۵]

قبل از ظهور اسلام فرزندانِ کنیز به مادر خود منسوب بودند و ازجمله بردگان محسوب می‌شدند. این روند یک تبعیض مضاعف بود که اسلام با طرح موضوع «اُمّ ولد» یا «مادر فرزند» درصدد اصلاح آن برآمد. پیشنهادی که شأن کنیزان را در جامعه اندکی تغییر داد، چنانکه جایگاه فرزندان کنیز نیز بهبود یافت و آنان را از حالت بردگی خارج کرد. امامان﵇ از این مرحله پا را فراتر نهادند و کنیزان خریداری شده را آزاد کرده و در برخی موارد آنان را به همسری برمی‌گزیدند. اما عنوان اُمّ‌ولد، در برابر همسران دیگر برای کنیزان باقی ماند. این نشان می‌دهد که برای این نوع همسران، جایگاهی همانند همسران رسمی تعریف نشده بود، زیرا آنها را با نام فرزندانشان صدا نمی‌زدند، چیزی که برای عرب یک شأن به حساب می‌آید.

پژوهش حاضر با هدف یافتن رویکرد ائمه اطهار﵈ در ارتقای مقام و منزلت ام ولد، به زوایایی از زندگی امامان﵇ پرداخته که کمتر مورد واکاوی پژوهشگران قرارگرفته است. این مسئله به دلیل آن که برای نخستین‌بار به‌عنوان مسئله پژوهشی بررسی می‌شود، بدون پیشینه خاصی است، اما در طرح بحث آن می‌توان از کتاب ***سرنوشت اسیر در اسلام*** نوشته سیدعلی میرشریفی که به مسئله اسارت و

---

۱. جواد علی، ***المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام***، ج ۵، ص ۱۳۶.
۲. ابن‌هشام، ***السيره النبويه***، ج ۱، ص ۲۶۴.
۳. جواد علی، ***المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام***، ج ۷، ص ۴۵۶.
۴. جرجی زیدان، ***تاریخ تمدن اسلام***، ج ۴، ص ۶۶۱
۵. جواد علی، ***المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام***، ج ۷، ص ۴۷۱.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

بردگی قبل از ظهور اسلام، در دوران رسالت و خلافت پرداخته است، و همچنین از منابع مربوط به زندگی‌نامه‌هایی که برای همسران اُمّولد امامان﵈ نوشته شده مانند کتاب ***زیست‌نامه مادر امام رضا*** ﵇ نوشته ناهید طیبی[1] بهره برد. همچنین در مقالاتی مانند«واکاوی در هویت و زندگی مادر امام زمان﵇» نوشته نعمت الله صفری فروشانی[2] و «نجمه خاتون مادر امام رضا﵇» از عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی،[3] به زندگانی، سیره و رفتار این بزرگان اشاره شده است؛ اما هیچ‌یک از موارد یاد شده با محوریت مسئله ام ولدی این بانوان به نگارش درنیامده است و همین نکته ضرورت پژوهش در این موضوع را بیشتر می‌کند. ازاین‌رو پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی، تحلیلی می‌کوشد تا با بررسی اجمالی اوضاع سیاسی و اجتماعی ائمه در زمان حضور این بانوان در خانه ولایت، نگاهی دقیق‌تر به زندگی آنها داشته و نقش ائمه اطهار﵈ نسبت به همسران امولد خود را مورد بررسی قراردهد. به‌نظر می‌رسد که امامان معصوم﵈، با آزادکردن، ازدواج و تکریم کنیزان و با آموزش و تعلیم و تربیت اسلامی آنان، توانستند موجب ارتقای مقام کنیزان امولد به‌عنوان همسر و مادر امامان معصوم﵈ در جامعه شوند و زمینه رشد و پرورش شریف‌ترین انسان‌ها را در دامان این بانوان فراهم کنند.

مفاهیم سازنده

برده: در زبان فارسی به معنی بنده زرخرید، غلام و کنیز است. این‌ها دخترها و پسرهایی بودند که با پول خریداری می‌شدند، به‌طوری که به بردگان پسر غلام و به بردگان دختر کنیز می‌گفتند.[4] واژه «برده » در زبان عربی، به معنی«عَبد» است[5] و البته به تعبیر دقیق‌تر، مصداقی برای «بردهٔ مرد» بوده و به «بردهٔ زن»، «اَمَة» (جمع آن: اِماء) می‌گفته‌اند. این لفظ، در قرآن نیامده، اما به‌جای آن لفظ «رَقَبَه» (به‌معنای «گردن، قفا») به‌کار رفته است.[6] همچنین در قرآن عبارت کنایی

---

۱. طیبی، ناهید، ***زیست نامه مادر امام رضا*** ﵇.

۲. شهبازیان و صفری فروشانی، «واکاوی در هویت زندگی مادر امام زمان﵇»، ***مجله انتظار موعود***، شماره ۳۷.

۳. پاک‌نیا تبریزی، «نجمه خاتون مادر امام رضا﵇»، ***نشر مبلغان***، شماره ۲۱۷.

۴. عمید، ***فرهنگ لغت***، ص ۳۹۵؛ دهخدا، ***لغتنامه***، ج ۳، ص ۳۹۵۲؛ معین، ***فرهنگ لغت***، ج ۲، ص ۱۳۷.

۵. البته شایع‌ترین صیغه جمع آن در این معنی «عَبید» است و در قرآن کریم در سوره نور آیه ۳۲، «عِباد» ذکر شده است.

۶. ***لغت‌نامه دهخدا*** ذیل رقبه: همچنین از جمله این موارد است آیه: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ خدا شما را به خاطر سوگندهای لغو و بی‌هدفتان مجازات نمی‌کند، ولی به سبب شکستنِ سوگندهایی که به طور جدّی و با قصد و اراده خورده‌اید، مؤاخذه می‌کند؛ پس کفّاره این‌گونه سوگندها، طعام دادن به ده نفر مسکین از غذاهای متوسطی است که به خانواده خود می‌خورانید، یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر، یا آزاد کردن

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

«ما مَلَکَت اَیمانُکُم»[۱] و واژه«جاریه » برای «بردهٔ زن » فراوان به‌کار رفته است.

اُمّ‌ولد: اصطلاحی فقهی و به‌معنای کنیزی است که از مولای خویش صاحب فرزند شده باشد، که مطابق فقه اسلامی مولای وی دیگر حق فروش این کنیز را ندارد. از آنجا که فرزند این کنیز آزاد است و نمی‌تواند مالک مادر خود باشد، کنیز پس از مرگ همسر از سهم‌الارث پسرش آزاد می‌شود.[۲]

نقش: به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. نقش‌های مناسب، به‌صورت بخشی از فرایند اجتماعی‌شدن به فرد آموخته می‌شود و سپس او آنها را می‌پذیرد.[۳]

منزلت اجتماعی: منزلت اجتماعی، ارزش یا مقامی است که شخص از جهت شأن، حیثیت و اعتبار، در جامعه از آن برخورداراست و یا به مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر، گفته می‌شود.[۴]

دیدگاه اسلام نسبت به بردگان

با توجه به اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی شبه‌جزیره عربستان در آستانه ظهور اسلام، برای حکومت تازه تأسیس پیامبرﷺ حذف یکباره برده‌داری امکان‌پذیر نبوده است. در مجموع، اسلام به‌گونه مستقیم راهکاری چندان سختگیرانه در ممنوعیت و حذف برده‌داری ارائه نداده و اصلاح برده‌داری به‌تدریج در جامعه اسلامی رخ داده است. روایات فراوانی از تکریم و آزادسازی بردگان در قِبال کفاره گناهان یا ترک عمدی و سهوی واجبات وجود دارد و در فقه نیز بابی تحت عنوان ***کتاب العتق*** به مسائل بردگان می‌پردازد.[۵]همچنین در لابه‌لای کتب فقهیِ معاملاتی مانند کتاب ***الحجر، البیع، الوصیه*** و ***النکاح*** به‌معنای عام، فروعات مرتبط با اماء و عبید مطرح شده است. این‌ها همه دلیل روشنی است که موجب شده تا جامعه اسلامی به تدریج نسبت به امر برده‌داری واکنش نشان دهد.

یک برده و کسی که هیچ‌یک [از این کفّاراتِ سه‌گانه] را نیابد کفّاره‌اش سه روز روزه است. این است کفّاره سوگندهایتان زمانی که سوگند خوردید لازم است سوگندهای خود را حفظ کنید. این‌گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می‌کند تا سپاس گزارید».

۱. نسا (۴) ۳۶.

۲. حلی، ***الجامع للشرایع***، ج ۲، ص ۱۷۵

۳. کوئن، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۸۱۰.

۴. ملک، ***جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی***، ص ۸.

۵. کلینی، ***الکافی***، ج ۶، ص ۱۷۷؛ طوسی، ***تهذیب الاحکام***، ج ۸، ص ۳۰۹.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

شواهد تاریخی نشان می‌دهد، علی‌رغم تلاش برخی مسلمانان در جهت حذف برده‌داری، تا همین یکصد سال پیش در جوامع اسلامی برده‌داری وجود داشته است و مسلمانان نه‌تنها غیرمسلمانان، بلکه حتی مسلمانان را به بردگی می‌گرفتند.[1] اینک به توصیه‌ها و احکام صریح در ذم برده‌داری می‌پردازیم، چیزی که البته از سوی حاکمان چندان جدی گرفته نشد.

۱. گسترش فرهنگ آزادسازی بردگان با آیاتی مانند «**وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ❊فَكُّ رَقَبَةٍ**[2] و تو چه می‌دانی آن گردنه سخت چیست؟ آزاد کردن برده»، ممنوعیت سوءاستفاده از بردگان مانند، وادار نکردن کنیزان به فحشا و درآمدزایی از آن«**ولا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً**» و کنیزان خود را برای دست‌یابی متاع ناپایدار زندگی دنیا، مجبور به خودفروشی نکنید، اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند».[3]

۲. تقبیح برده‌داری مانند گفته پیامبراسلامﷺ که فرمودند: «بدترین مردم کسانی هستند که مردمان را می‌فروشند».[4]

۳. حرام دانستن شکنجه بردگان و قانون آزادسازی بردگان در صورت شکنجه‌های سخت بر آنان[5] مانند مثله کردن.

۴. وضع قوانین متعدد برای آزادسازی بردگان مانند کفاره روزه و کفاره نذر و قسم و قتل خطایی و ظهار.[6]

۵. معتبر شمردن ازدواج با بردگان و آزاد دانستن فرزند کنیز.

۶. ایجاد و گسترش فرهنگ تکریم بردگان و بدرفتاری نکردن با بردگان، چنان‌که پیامبر اکرمﷺ اربابِ سوار را از دواندن برده به‌دنبال خود نهی می‌نمود.[7]

اسباب بردگی

در مناطق مختلف جهان، برده‌داری به‌علل و انگیزه‌های گوناگونی مانند جنگ، قدرت، غارت و

---

۱. لوریمر، ***روزنامه خلیج فارس***، ج ۱: قسمت دوم، ص ۲۵۱۱ ـ ۲۵۱۰.
۲. بلد (۹۰) ۱۳ ـ ۱۲.
۳. نور (۲۴) ۳۳.
۴. کلینی، ***الکافی***، ج ۵، ص ۱۱۴.
۵. حلی، ***الجامع للشرایع***، ج ۲، ص ۲۰۶.
۶. نسا (۴) ۹۲؛ مجادله (۵۸) ۳.
۷. زمخشری، ***ربیع الابرار و نصوص الاخیار***، ج ۳، ص ۳۴۴.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

آدم‌ربایی، قرض و دین، سرقت، فقر و قمار صورت می‌گرفت.[۱] ولی ازآنجا که شریعت اسلام تنها برده کردن اسیران جنگی کافر را به‌عنوان راه قانونی و مشروع تأمین بردگان و کنیزان پذیرفته بود،[۲] با گسترش فتوحات، جنگ یکی از راه‌های به‌دست آوردن بردگان شد که در سراسر قلمرو اسلامی به فروش می‌رسیدند. درحالی‌که برخی از مسلمانان جهاد و غزا را تنها در سودای به‌دست آوردن غنائم و برده می‌دیدند[۳]، برده‌داری وکنیزداری در جامعه گسترش یافت. رویارویی نظامی حکومت اسلامی با امپراطوری روم شرقی در قسمت‌های غربی قلمرو اسلامی و جنگ بین مرزداران شرقی و قبایل ترک، باعث فراوانی بردگان رومی و ترک شد. در این زمان خراسان نیز یکی از مبادی مهم ورود غلامان و کنیزان به سرزمین‌های اسلامی بود. به‌گونه‌ای که حاکمان این منطقه همه ساله تعداد زیادی از کنیزان و غلامان ترک و هندو را به‌عنوان هدیه به دربار خلفا پیشکش می‌کردند.[۴]

اُمّ‌ولد از دیدگاه فقهی

در رابطه با برده‌داری در اسلام، این‌گونه توجیه می‌شود که تغییر افکار و اندیشه‌هایی که ریشه در فرهنگ و آداب و سنن مردم دارد به آسانی امکان‌پذیر نیست، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت در محیطی که قرن‌ها، برده‌داری به بدترین شکل ممکن رواج داشته، ناگهان این رسم ملغی شود. اگرچه باورها و اعتقادات مذهبی عرب، با آمدن اسلام دگرگون شد و پلیدی، شرک و کفر از جامعه عرب رخت بربست اما برده‌داری و کنیزداری به قوت هرچه تمام‌تر باقی ماند و فقط اصلاحاتی اندک مانند حکم امولد در آن بوجود آمد. هنگامی که کنیزی از مولا و صاحب خود دارای فرزند می‌شد اُمّ‌ولد نامیده می‌شد.

از احکام فقهی مربوط به امولد این است که تا فرزند این کنیز زنده است، صاحب او حق فروش وی را ندارد مگر آنکه دینی بر گردن صاحبش باشد و بدون فروش کنیز نتواند قرض خود را ادا کند. همچنین ام ولد پس از مرگ صاحب خود آزاد شده و جزء اموال فرزندش به حساب می‌آید.[۵] در فقه اسلامی واژه استیلاد وجود دارد که به معنی فرزند خواستن به غیر از راه همسر گزینی، می‌باشد. شهید ثانی درباره استیلاد می‌گوید: «استیلاد یعنی کنیزی که از طریق ملک یمین و نه از طریق زوجیت، باردار شده باشد. چنین کنیزی را «امولد» گویند. فرزند او حُرّ است و اگر مولی قبل از امولد بمیرد و در

---

۱. میرشریفی، ***سرنوشت اسیر در اسلام***، ص ۲۵۴ ـ ۲۵۰.
۲. انفال (۸) ۶۷؛ طباطبایی، ***تفسیر المیزان***، ج ۶، ص ۴۹۷.
۳. ابن‌اثیر، ***الکامل***، ج ۱۹، ص ۳۰.
۴. بیهقی، ***تاریخ بیهقی***، ص ۵۳۷.
۵. حلی، ***الجامع للشرایع***، ج ۲، ص ۱۷۵؛ مختاری مازندرانی و مرادی، ***فرهنگ اصطلاحات فقهی***، ص ۲۳.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

خصوص خرید این امولد، بدهکار هم نباشد یا بدهکار باشد ولی ترکه او جواب‌گوی بدهی او باشد، این کنیز از سهم‌الارث فرزندش که به دنیا آمده، یا در رحم است آزاد می‌شود و اگر سهم‌الارث فرزند کفایت نکرد، باقی‌مانده را باید با تلاش خود پرداخت کند».[1] بررسی این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه نسبت به سرنوشت کنیز و اُمّ‌ولد، دیدگاه‌های قابل تأملی وجود داشته است.

پس از مطرح شدن راهکار اُمّ‌ولد برای ملک یمین (ابزارنگری)، جامعه عرب و اسلام با اشتیاق به استقبال آن رفت و حتی قانون‌هایی نیز برای آن وضع کرد که در جامعه اجرا نشد، مثلاً در صورتی‌که صاحب کنیز با اعلام نسب فرزند، کنیزش را فرزند خود می‌نامید، این تصمیم در بعضی مواقع از سوی اقوام و فرزندان دیگر پذیرفته نمی‌شد و پسران و برادران مالک پس از مرگ او، کنیززاده او را به بردگی می‌فروختند، مانند نصیب بن ریاح که چون مادرش کنیز بود پس از مرگ ریاح توسط عمویش به عبدالعزیز بن مروان بن حکم فروخته شد.[2] در این گونه موارد به‌نظر می‌رسد که تعصبات قومی و سهم‌الارث در این تصمیم گیری‌ها نقش اساسی داشته است.

حتی اگرکنیززاده‌ای مورد پذیرش افراد جامعه هم قرار می‌گرفت، اعراب از تحقیر او دست برنمی‌داشتند. این نوع رفتار در کل جامعه مشاهده می‌شد. در مسابقه اسب‌دوانی که عبدالملک بن مروان بین دو پسر خود سلیمان و مسلمه برگزار کرد، سلیمان پیروز شد و عبدالملک در این زمان این اشعار را بیان کرد: «به شما گفتم که کنیززادگان را در مسابقه شرکت ندهید، این دو هرگز برابر نمی‌شوند، آن مادرش بانو و این مادرش کنیز است».[3] نمونه دیگری از رفتار با بردگان را می‌توان در واکنش عبدالملک بن مروان مشاهده کرد. خلیفه چون شنید که امام سجاد﵇ با کنیزش ازدواج کرده و او را به همسری برگزیده است، برآشفت و در نامه‌ای اعتراض‌آمیز به امام نوشت« با کنیزان ازدواج کرده‌ای؟! درحالی‌که در میان اعراب کسانی هستند که تو می‌توانستی با ازدواج با آن‌ها به عظمت و شرافت خود بیفزایی». امام سجاد﵇ در پاسخ عبدالملک‌بن مروان با اشاره به آیات قرآن و روش پیامبرﷺ هشدار دادند که بنی‌امیه به جاهلیت نوینی گرفتار شده و لازم است ارزش‌های اسلامی مجدداً احیا گردد و فرمود: «نامه تو که در آن مرا به خاطر ازدواج با کنیز آزاد شده‌ام سرزنش کردی به دستم رسید. گفتی که در میان عرب زنانی هستند که با ازدواج و صاحب فرزند شدن از آن‌ها به عظمت و بزرگواری می‌رسم و حال آنکه فراموش کرده‌ای بزرگوارتر و با عظمت تر از رسول خداﷺ

---

۱. جبلی عاملی، ***الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه***، ج۶، ص ۳۷۱ ـ ۳۶۹.
۲. ابوالفرج اصفهانی، ***اخبار النسا فی کتاب الاغانی***، ج ۱، ص ۱۱۸.
۳. ابن‌عبدربه، ***عقد الفرید***، ج ۴، ص ۱۱.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

کسی نیست درحالی که رسول خداﷺ بانی ازدواج برده‌اش زیدبن حارثه با زنی آزاد به نام زینب شد و خود نیز با کنیزش ازدواج کرد. خداوند به وسیله اسلام امور بی‌ارزش را با ارزش و نقایص را با اسلام کامل کرد و سرزنش‌ها را از بین برد. انسان مسلمان، شایسته نکوهش و سرزنش نیست تنها جاهلیت و افکار جاهلی باید سرزنش و نکوهش شوند».[۱]

در موردی دیگر هشام بن عبدالملک نیز با کنیززاده خواندن زید، پسر امام سجادؑ تفکرات جاهلی خود را آشکار ساخت. زید در پاسخ هشام، کنیززاده بودن اسماعیل پسر حضرت ابراهیم و مقام او را یاد آوری کرد[۲]و درک وسیع و بینش والای خود را به رخ هشام کشید.[۳] همچنین یک شاعر عرب، احساسات اعراب این دوره را در قبال کنیززادگان این‌گونه بیان کرده است«خدایا: فرزندان کنیزان در میان ما فراوان شده‌اند خدایا مرا به شهری ببر که در آنجا نژاد غیراصیل نبینم».[۴]

هرچند از دیدگاه احکام فقهی، فرزندان کنیز با اعلام نسب، نسبت به پدر و صاحب خود، آزاد و با دیگر فرزندان پدر هم ردیف محسوب می‌شدند ولی در مناسبات اجتماعی جایگاهی فروتر داشتند. برخی مواقع فرزندان کنیز را برای متمایزکردن از دیگر فرزندان، به نام مادر کنیزشان می‌خواندند مانند ابن فرات که از کنیز امولدش دولت، فرزندی داشت و آن فرزند به نام مادرش، حسن بن دولت نامیده می‌شد.[۵]

برخی از متقدمین بر این باور بوده‌اند که چون عرب به کنیز در حکم کالا نگاه می‌کرد، فرزنددار شدن کنیز از نظر اقتصادی در واقع به ضرر صاحبش بود.[۶] زیرا فروختن امّولد و نیز هرگونه تصرفی در او مانند بخشیدن که موجب انتقال امّولد به دیگری می‌شد، بنا بر مذاهب مختلف جایز نبود، مگر در شرایط خاصی همچون زمانی که مولا قیمت کنیز را بدهکار بود و توان پرداخت آن را جز با فروختن کنیز نداشت.[۷]

با این توصیف نمی‌توان دلیل خرید کنیزان را علاقه به داشتن فرزندان بیشتر دانست. بلکه

---

۱. کلینی، ***الکافی***، ج ۵، ص ۳۶۴، طوسی، ***الغیبه***، ج ۷، ص ۳۹۷.

۲. زید بن علیؑ در پاسخ هشام می‌گوید: «اگر کنیززاده بودن عیب بود خدا اسماعیل پسر ابراهیم را به چنین مقامی نمی‌رساند».

۳. ابن‌قتیبه دینوری، ***عیون الاخبار***، ج ۱، ص ۳۱۲؛ زمخشری، ***ربیع الابرار و نصوص الاخیار***، ج ۳، ص ۳۶۱.

۴. حتی، ***تاریخ عرب***، ص ۴۲۱ ـ ۴۲۰.

۵. ابن‌مسکویه، ***تجارب الامم***، ج ۵، ص ۱۷۴.

۶. عنصرالمعالی، ***قابوس‌نامه***، ص ۱۳۰.

۷. حلی، ***تحریر الاحکام الشرعیه***، ج ۴، ص ۲۸۷؛ جبلی عاملی، ***الروضه البهیه***، ج ۶، ص ۳۷۲؛ نجفی، ***جواهر الکلام***، ج ۲۲، ص ۳۷۳؛ ج۳۴، ص ۳۷۸؛ ابن‌قدامه، ***المغنی***، ج ۳، ص ۴۹۳ ـ ۴۹۲.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

بسیاری از مردان به خاطر امیال شهوانی و رایج بودن آن در شرایط فرهنگی جامعه آن روز اقدام به خرید کنیزان می‌کردند و نقش جنسی این کنیزان در قالب سریه،[1] چنان رایج و عادی بود که نهاد دین این امر را پذیرفته بود، به‌گونه‌ای که غزالی از بزرگان فقه شافعی در احکام فقهی مربوط به خرید کنیزان به این مسئله اشاره دارد که خریدار می‌تواند بدن کنیز ازجمله موی سر و دست و پای او را ببیند.[2] این حکم به وضوح انسان را در حد چهار پایان قرار می‌دهد و دقیقاً نشان می‌دهد که خریدار می‌خواهد حیوانی چاق یا لاغر بخرد.

بنا بر فقه شیعه، در صورت وجود شرایط اثبات نسب، فرزند به مالک کنیز ملحق می‌شد و وی شرعاً حق نفی‌ولد نداشت.[3] سرخسی از فقهای حنفی مذهب می‌گوید: اگر کنیزی از مالک خود صاحب فرزندی می‌شد و مالک در حضور شاهدان، آن کودک را فرزند خود اعلام می‌نمود، کنیز امولد و فرزندش آزاد محسوب می‌شدند.[4] در غیر این صورت کنیز و فرزندش همچنان برده باقی می‌ماندند و قانون، مالک را مجبور به اعلام نسب و پذیرش فرزند کنیز نمی‌کرد.[5] به‌نظر می‌رسد که اعراب، تنها پسران امولد را با اعلام نسب به خود، می‌پذیرفتند و از پذیرش دختران، به بهانه‌های مختلف، خودداری می‌کردند، مانند شاریه، کنیز رامشگر مأمون که مادرش کنیز و پدرش قریشی بود ولی پدرش با این ادعا که او متعلق به وی نیست از پذیرش او خودداری کرد و شاریه همانند مادرش در زمره کنیزان باقی ماند.[6]

شرایط آزادی امولد پس از مرگ صاحبش، همانند"برده مُدبِّر[7]"بود با این تفاوت که امولد غیرقابل فروش بود[8] و این ویژگی او را از سایر بردگان متمایز می‌کرد و راه مطمئنی برای آزادی کنیزان به‌شمار می‌رفت. گاهی اوقات کنیز پس از آزادی نیز به نام صاحب خود شناخته می‌شد[9] و اگر بی‌وارث بود مالک قبلی از او ارث می‌برد[10] ولی امولد به‌صورت مستقیم از مالک خود ارث نمی‌برد،[11]

---

۱. سریه کنیزی است که جهت بهره‌وری جنسی خریده می‌شد.

۲. غزالی، ***کیمیای سعادت***، ج ۱، ص ۳۳۲. غزالی فیلسوف، متکلم و فقیه ایرانی شافعی مذهب سده پنجم هجری است.

۳. جبلی عاملی، ***الروضه البهیه***، ج ۵، ص ۴۳۸؛ نجفی، ***جواهر الکلام***، ج ۱۱، ص ۱۵۴ ـ ۱۵۳.

۴. سرخسی، ***المبسوط***، ج ۷، ص ۱۵۱ ـ ۱۵۰؛ سرخسی از فقهای حنفی سده پنجم هجری قمری است.

۵. ابوالفرج اصفهانی، ***اخبار النسا فی کتاب الاغانی***، ص ۲۷.

۶. همان، ص ۱۹۰ ـ ۱۸۷.

۷. برده مدبر، به برده‌ای گفته می‌شد که از مالک خود وعده می‌گرفت که با مرگ مالک آزاد شود.

۸. جبلی عاملی، ***الروضة البهیة***، ج ۳، ۲۵۹ ـ ۲۵۷.

۹. مسعودی، ***مروج الذهب و معادن الجواهر***، ج ۲، ص ۵۴۵.

۱۰. حموی، ***معجم الادباء***، ج ۳، ص ۱۴۸.

۱۱. نجفی، ***جواهر الکلام***، ج ۳۹، ص ۶۱.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

با این‌حال، مالک می‌توانست برای امولد مالی را وصیت کند.[۱]

برای کنیزان امولد درجات بالاتری نسبت به سایر کنیزان وجود داشت: کنیزان امولد از زمره اموال قابل انتقال مالک خارج شده و پس از مرگ صاحب خود آزاد می‌شدند. بنابر این صاحب امولد قادر به فروش و بخشش او به دیگری و یا به رهن دادن او نبود.[۲]

رویکرد اسلام نسبت به بردگان

آیات قرآن به روشنی از تساوی برده و آزادی پس از تشرف به اسلام سخن می‌گوید و نه‌تنها برده حبشی را با سید قریشی یکی می‌داند بلکه گاه کنیز مؤمن را برتر از حره مشرک می‌داند[۳] و نزدیکی به خداوند را تنها در سایه تقوا و عمل صالح بیان می‌کند.[۴] اسلام به آزادسازی و خوش‌رفتاری با بردگان، و زن یا شوهر دادن آنان و آموختن سواد و به همسری گرفتن کنیزان توصیه کرده است.[۵]

پیامبرﷺ مسلمانان را به داشتن رفتاری انسانی، همراه با مهربانی و رعایت حقوق بردگان دعوت می‌کردند. این توصیه‌ها درباره حقوق بردگان این‌گونه بودند: «از غذای خود به او بدهد. از جامه‌ای که خود می‌پوشد، به او بپوشاند. به کارهای سخت وادارش نسازد، به کاری که بیش از توان اوست مأمورش نکند، برده ناپسند را آزار ندهد و زود بفروشد».[۶] او را تحقیر و کوچک نکند و اشتباهات او را ببخشد در رفتار با او منصف باشد و در حقش ظلم نکند. طبق روایات اسلامی دیدگاه ائمهﷺ نسبت به بردگان برپایه روابط انسانی و اخلاقی استوار بود. امام رضاﷺ با بردگان بر سر یک سفره غذا می‌خورد و به اصحاب خود تأکید می‌کردند که اگر برده‌ای را آزاد کردید، تا زمانی که به‌حد بی‌نیازی برسد، از او حمایت مالی کنید.[۷]

نقش ائمهﷺ در ارتقای منزلت اجتماعی اُمّ‌ولدها

در شرایطی که خلفای اموی و عباسی و به تبع آنان صاحبان قدرت و ثروت برای حرمسراهای خود

---

۱. همان، ج ۳۴، ص ۳۸۲.

۲. طوسی، ***المبسوط فی فقه الامامیه***، ج ۶، ص ۱۸۶ ـ ۱۸۵؛ غزالی، ***کیمیای سعادت***، ج ۱، ص ۳۳۱؛ حر عاملی، ***وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه***، ج ۲۳، ح ۲.

۳. بقره (۲) ۱۲۲.

۴. حجرات (۴۹) ۳.

۵. انصاری، ***مکاسب***، ص ۱۷۵.

۶. غزالی، ***کیمیای سعادت***، ج ۱، ص ۴۳۲.

۷. حرعاملی، ***وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه***، ج ۲۳، ح ۲.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

کنیزکان زیبارو و صاحب هنر، با رنگ و نژادهای متنوع خریداری می‌کردند[1] و برخی از این کنیزکانِ مجلس‌آرا، با دل‌فریبی و فرزندار شدن از خلفا، امولد شمرده می‌شدند، نحوه برخورد ائمه‌ﷺ با کنیزان به‌گونه‌ای دیگر بود. آنها ضمن تبعیت از رسم جامعه خود، با آزادسازی کنیزان و ازدواج با کنیزان لایق و تشکیل خانواده و دوری از تشکیل حرمسرا، الگویی مناسب به جامعه آن روز ارائه کردند. ائمه‌ﷺ با استفاده از روش‌های مختلف، توانستند جایگاه اُمّ‌ولدها را در جامعه ارتقا بخشند که به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

۱. پیوند با کنیزان راهی برای آزادی آنان

پیامبر اکرم‌ﷺ به‌عنوان الگو و اسوه در جامعه اسلامی، با ازدواج با کنیزان، موقعیت و جایگاه آنان را در جامعه اسلامی دگرگون ساخت، به‌گونه‌ای که حضور کنیزانی مانند ماریه، ریحانه[2] و صفیه[3] در کنار همسران آزاد ایشان، موجب ارتقای جایگاه کنیزان در جامعه اسلامی شد. ازدواج ائمه‌ﷺ با کنیزان، برای حفظ شخصیت آنها و احترام به کرامت انسانی بود. ائمه‌ﷺ با آنها ازدواج کرده، آنها را تربیت نموده و سپس آزاد می‌کردند. امامان‌ﷺ در انتخاب همسر، که پایه اصلی برای زمینه‌سازی تربیت صحیح فرزندان است، دقت بسیار داشتند. امام صادق‌ﷺ در روایتی دراین‌باره می‌فرماید: «نگاه کن و توجه نما که خود را در چه موقعیتی قرار می‌دهی و چه کسی را شریک زندگی و اموالت می‌کنی و چه کسی را از دین و رمز و راز زندگی آگاه می‌سازی[4]». در منابع تاریخی، موارد مختلفی از ازدواج امامان‌ﷺ با کنیزان گزارش شده اما باتوجه به اینکه در این مقاله تأکید برمادران ائمه‌ﷺ است، از بیان امولدهای دیگر ـ مانند امولدهای امام علی‌ﷺ: خوله مادر محمد حنفیه کنیزی از قبیله بنی‌زبیدی[5]، الصهباء از قبیله تغلبیه مادر عمرالاطرف، امسعید بنت عروة بن مسعود، مادر رمله و دیگر همسران علی بن ابیطالب که کنیز بودند[6] و یا ازدواج امام سجاد‌ﷺ با کنیز آزادشده خود[7] ـ صرف نظر می‌شود.

---

۱. تعداد کنیزان حرمسرای هارون الرشید را به اغراق تا ۴۰۰۰ نفر ذکر کرده‌اند. (ابن‌کثیر، ***البدایه والنهایه فی التاریخ***، ج ۱۰، ص ۲۲۲)

۲. طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۳، ص ۱۹۶.

۳. مسعودی، ***مروج الذهب***، ج ۲، ص ۲۸۹.

۴. مجلسی، ***بحارالانوار***، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲.

۵. ذهبی، ***سیر اعلام النبلاء***، ج ۴، ص ۱۱۰؛ ابن‌جوزی، ***المنتظم***، ج ۶، ص ۲۲۸؛ عصامی، ***سمط النجوم العوالی***، ج ۳، ص ۷۳؛ البته در منابع دیگر به کنیز نبودن خوله اشاره شده است. (راوندی، ***الخرائج و الجرائح***، ج ۲، ص ۵۹۳ ـ ۵۸۹)

۶. مفید، ***الارشاد***، ج ۱، ص ۳۵۴، بغدادی، ***تاریخ موالید الأئمة***، ص ۱۵.

۷. «أما بعد فقد بلغني كتابك تعنفني بتزويجي مولاتي وتزعم أنه كان في نساء قريش من أتمجد به في

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

یکی از موضوعات بحث برانگیز در سال‌های اخیر، ازدواج امام حسین‌ﷺ با دختر یزدگرد[۱] و مسئله امّولد بودن مادر امام سجادﷺ می‌باشد. علاوه بر کتاب‌هایی که به زندگی امام حسین‌ﷺ و امام سجادﷺ پرداخته‌اند، مقالاتی نیز به رشته تحریر در آمده است، ازجمله پژوهشگر معاصر استاد مهدوی دامغانی در مقاله خود به شهربانو و ازدواج وی با حسین بن علی‌ﷺ و زاده‌شدن علی بن حسین‌ﷺ معروف به علی‌الاوسط پرداخته است.[۲] یعقوبی می‌گوید: در زمان عمر، دو تن از دختران یزدگرد به اسارت درآمدند عمر یکی از آن دو به نام شاه زنان یا شهربانو را به امام حسین‌ﷺ بخشید و امام نام او را به غزاله تغییر داد. امام چهارم شیعیان امام علی بن الحسین‌ﷺ فرزند این بانو است.[۳] یعقوبی در ذیل همان سخن می‌گوید: « و گفته شده که مادرش (مادر امام سجادﷺ) از اسیران کابل بوده است».[۴] در رابطه با سخن یعقوبی و سایر مورخین در ارتباط با ازدواج امام حسین‌ﷺ با شاهدخت ایرانی[۵] با در نظر گرفتن زمان وقوع نبردهای قادسیه، جلولا و نهاوند و سن امام حسین‌ﷺ و سن دختر یزدگرد در زمان عمر، این مسئله بعید به‌نظر می‌رسد.[۶] از طرفی با توجه به روایت مستند

الصهر واستنجبه في الولد وأنه ليس فوق رسول اللهﷺ مرتقا في مجد ولا مستزاد في كرم وإنما كانت ملك يميني خرجت متي أراد الله عز وجل مني بأمر ألتمس به ثوابه ثم ارتجعتها على سنة ومن كان زكيا في دين الله فليس يخل به شئ من أمره وقد رفع الله بالاسلام الخسيسة وتمم به النقيصة وأذهب اللؤم فلا لؤم على امرء مسلم إنما اللؤم لؤم الجاهلية والسلام». (کلینی، ***الکافی***، ج ۵، ص ۳۴۶ ـ ۳۴۵؛ مجلسی، ***بحار الانوار***، ج ۱۱۰، ص ۱۸)

۱. دانشورانی مانند محمد بن حسن صفار قمی (متوفای ۲۹۰ ق) در بصائر الدرجات، ص ۱۴۰، کلینی (متوفای ۳۲۹ ق) در کافی، ج ۱، ص ۳۶۶، شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) در عیون اخبار الرضاﷺ، ج ۱، ص ۱۳۵ و شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق) در الارشاد، ص ۱۳۷ با وجود اختلاف در نام مادر امام سجادﷺ، او را دختر یزدگرد سوم دانسته‌اند. اما دکتر سید جعفر شهیدی در کتاب ***زندگانی علی بن حسین***ﷺ، ص ۱۹، ۲۰ نقد جدی بر این روایت وارد کرده و ایشان را دختر یزدگرد سوم نمی‌داند. با این حال، دیگر نویسندگان مانند دکتر احمد مهدوی دامغانی، بر صحت این موضوع تأکید دارند. (مهدوی دامغانی، «شاهدخت والاتبارشهربانو والده معظمه حضرت امام علی بن الحسین سجادﷺ»، ***ضمیمه آیینه میراث***، ۱۳۸۸، ص ۸۴ ـ ۱)

۲. همان.

۳. یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ج ۳، ص ۴۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۸۴ و ۲۶۴.

۵. زمخشری، ***ربیع الابرار و نصوص الاخیار***، ج ۳، ص ۱۹ ـ ۱۸؛ امین، ***اعیان الشیعه***، ج ۱، ص ۶۲۴ و ج ۷، ص ۳۵۳.

۶. جنگ‌های قادسیه و جلولا و نهاوند در سال‌های ۱۴، ۱۶ و ۲۰ هجری صورت گرفته که در این سال‌ها حسین بن علیﷺ ۱۰ تا ۱۵ سال بیشتر نداشته است و بعید به‌نظر می‌رسد که امام علیﷺ برای فرزندش در چنین سنی خواستگاری کرده باشد. همچنین با توجه به تولد یزدگرد در سال ۶۱۱ م و آغاز فرمانروایی وی در سال ۶۳۲ م، اگر یزدگرد در همان ابتدای پادشاهی که بیست سال داشته یعنی سال دهم هجری ازدواج کرده باشد، در هنگام نبردهای قادسیه، نهاوند و جلولا، دختران وی کودکانی چهار یا پنج ساله یا حداکثر نوجوانانی ده ساله بوده‌اند. از طرفی با توجه

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

شیخ صدوق از قول امام رضاؑ در کتاب ***عیون اخبار الرضا***[1] و زمان فتح خراسان و همچنین زمان تولد امام سجادؑ وقوع این رویداد در زمان عثمان به حقیقت نزدیک‌تر است.

امام صادقؑ نیز از میان کنیزان همسرانی را برگزید. برخی منابع اسامی فرزندان آن حضرت از همسران کنیزشان را اسحاق، محمد، عباس، علی و فاطمه ذکر کرده‌اند.[2] یکی از همسران امولد امام صادقؑ، حُمیده مادر امام کاظمؑ می‌باشد.[3] آنچه از میان بسیاری از گزارش‌ها به‌دست می‌آید این است که با توجه به اینکه دختران رومی و ایرانی از وجاهت بیشتری برخوردار بودند، اعراب دلبستگی بیشتری به آنها داشتند. ازاین‌رو هنگامی که امام صادقؑ به سن ازدواج رسید، عکاشه یکی از اصحاب امام محمدباقرؑ، به دستور ایشان حُمیده را که دوشیزه‌ای وجیه‌المنظر و باسواد بود، از بازار برده‌فروشان انتخاب و خریداری نمود. جالب اینکه حُمیده مُوَلّده[4] بود و در بازار برده‌فروشان مدینه، چون اسرای ترک و تازیک در معرض فروش قرارگرفته بود. به همین خاطر حوادث باید واکاوی علمی و تاریخی شوند تا به واقعیت ماجرا پی‌برد. به هر حال در همان سال ازدواج، امام صادقؑ همراه اهل‌بیت خود به مکه مشرف شدند. در بازگشت از مکه در محلی به نام ابواء که آرامستان آمنه مادر پیامبر اکرمﷺ بود، اولین فرزند امام صادقؑ از حُمیده متولد شد.[5]

از روایات مختلف چنین استنباط می‌شود که امام موسی کاظمؑ نجمه یا تکتم را که کنیزی مولده

به فتح کابل در دهه پنجاه هجری و تولد امام سجادؑ در سال ۳۸ ق در آن زمان، امام علی بن حسینؑ بیش از ۱۵سال داشته است و مادرشان نمی‌توانسته از اسیران فتح کابل باشد. (یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ج ۲، ۲۸ ـ ۲۷ و ۴۴؛ طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۴، ج ۶، ص ۱۶۲۹، ۱۸۱۰، ۱۸۲۷، ۱۹۳۰، ۲۱۷۱؛ ابن‌اثیر، ***الکامل***، ج ۳، ج ۴، ص ۱۳۴۷، ۱۴۲۷، ۱۴۳۷، ۱۴۳۹، ۱۵۰۵، ۱۶۵۱؛ بلعمی، ***تاریخ‌نامه طبری***، ج ۱، ص ۵۳۶؛ رئیس‌السادات، ***تاریخ خراسان در سده نخست هجری***، ص ۱۲ ـ ۹، ۲۲، ۴۶ ـ ۴۰)

۱. صدوق، ***عیون اخبار الرضا***ؑ، ج ۱، ص ۱۳۵؛ سهل بن قاسم نوشجانی می‌گوید: امام رضاؑ به من فرمود: بین ما و شما، نسب و رابطه خویشاوندی وجود دارد. پرسیدم: چگونه؟ فرمود: هنگامی که عبدالله بن عامر [بن کریز] خراسان را فتح کرد، دو نفر از دختران یزدجرد بن شهریار را به‌دست آورد. آنها را به مدینه و نزد عثمان فرستاد. خلیفه، یکی را به حسنؑ و دیگری را به حسینؑ بخشید و هر دو، در حال نفاس از دنیا رفته‌اند و آن دختری که به حسینؑ بخشید، مادر علی بن الحسینؑ بود.

۲. مفید، ***الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد***، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳. بحرانی، ***عوالم***، ج ۱۰، ص ۲۱.

۴. کنیزی غیرعرب که در میان اعراب متولد شده و با فرزندان آنان رشد یافته و وی را همانند فرزندان خود تربیت کرده‌اند. (فراهیدی، ***کتاب العین***، ج ۸، ص ۷۱)

۵. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۳۸۵.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

بوده و توسط حُمیده مصفا (مادر امام) خریداری شده بود، به همسری برگزید.[۱] همسر بزرگوار امام رضاؑ و مادر امام جوادؑ نیز امولدی به نام سبیکه یا خیزران معرفی شده است.[۲] ایشان از نسل ماریه قبطیه همسر پیامبرﷺ بوده است.[۳] همسر رسمی امام جوادؑ، امفضل دختر مأمون بود، که از وی صاحب فرزند نشد.[۴] ازاین‌رو امام محمدتقیؑ جاریه‌ای انتخاب نمود و از او صاحب چهار فرزند به نام‌های: علی، خدیجه، امکلثوم و حکیمه شد.[۵] کلینی ـ یکی از روات موثق شیعه ـ مادر امام هادیؑ را کنیزی به نام سمانه معرفی کرده است.[۶] طبق گفته مسعودی، محمد بن فرج رخجی، وکیل امام جوادؑ، بنا به فرمایش امام، سمانه مغربیه را از یکی از برده‌داران سامرا خریداری کرد.[۷] بدون شک امام برای داشتن فرزندانی صاحب کمال، در جستجوی همسری تربیت شده بودند، تا بتواند کودکان خود را از نظر اخلاقی و تربیتی، به‌گونه‌ای تربیت کند که نه‌تنها اخلاق و حکمت اسلامی در آن‌ها نهادینه شده باشد بلکه بتواند در هنگام ضرورت، جامعه اسلامی را به بهترین نحو مدیریت کند. سمانه برعکس امفضل که به روایتی قاتل امام شد و همه‌روزه امام را به خاطر این ازدواج سرزنش می‌کرد، سنگ صبور امام و رازدار جوادالائمهؑ بود.[۸] همسر امام هادیؑ و مادر امام حسن عسکریؑ نیز کنیزی به نام حُدَیث یا سوسن[۹] از اهالی نوبه در جنوب مصر بود.[۱۰] امام هادیؑ در سال ۲۳۳ هجری قمری با حُدَیث ازدواج کرد و در همان سال امام عسکریؑ متولد شد.[۱۱] همسر امولد امام عسکریؑ و مادر حضرت مهدیؑ، نرجس‌خاتون[۱۲] بانویی رومی بود که زیر نظر حکیمه‌خاتون تربیت شده و نزد امام از احترام ویژه‌ای برخوردار بود.[۱۳] ائمه با ازدواج با

---

۱. صدوق، ***عیون اخبار الرضا***ؑ، ج ۲، ص ۲۶.
۲. مفید، ***الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد***، ج ۲، ص ۲۷۳؛ طبرسی، ***اعلام الوری***، ج ۲، ص ۹۱.
۳. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۴۹۲؛ مفید، ***الارشاد***، ج ۲، ص ۲۷۴؛ طوسی، ***تهذیب الاحکام***، ج ۶، ص ۹۰.
۴. علوی، ***المجدی فی انساب الطالبین***، ص ۱۲۸.
۵. طبری، ***دلائل الامامه***، ۳۹۷. البته در تعداد فرزندان منسوب به امام جوادؑ اختلاف روایت است مانند: مفید، ***الارشاد***، ص ۳۲۷.
۶. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۴۸۹.
۷. مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۲۲۰.
۸. طبرسی، ***اعلام الوری***، ج ۲، ص ۱۰۵.
۹. صدوق، ***عیون اخبار الرضا***ؑ، ص ۴۸.
۱۰. برای نوبه مکان‌های متعددی ذکر شده: نوبه شهرکی در تونس، ناحیه‌ای در نزدیکی دریای تهامه، سرزمینی در جنوب مصر، مکانی در شمال افریقا موضعی در حجاز با فاصله سه روز راه از مدینه. (بغدادی، ***تاریخ موالید الأئمة***، ج ۳)
۱۱. یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ص ۴۴۰؛ کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۵۰۳.
۱۲. طوسی، ***الغیبه***، ص ۲۱۴.
۱۳. صدوق، ***کمال الدین و تمام النعمه***، ج ۱، ص ۴۲۲ ـ ۴۱۷؛ مفید، ***الارشاد***، ج ۲، ص ۳۳۵؛ طوسی، ***الغیبه***، ص ۳۹۳.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

این قشر تحت ستم، و فرزنددار شدن از آنان، موقعیت و جایگاه آنان را در جامعه اسلامی ارتقاء بخشیدند و بالاترین درجه برای کنیزان امولد که تربیت امامان معصوم﵇ بود را به آنها محول کردند.

شواهد و مدارک، نشان می‌دهد که از میان ائمه﵇، مادران امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و امام مهدی﵇، غیرعرب بوده‌اند. اگر جنبه وحیانی و اوامر الهی و عصمت ائمه﵇ را نادیده بگیریم، چنین به‌نظر می‌رسد که امامان شیعه همانند سایر عرب‌ها، به ازدواج با غیرعرب‌ها علاقمند بوده‌اند و توجه به کنیزان و بالا بردن جایگاه اجتماعی آنان در مرتبه دوم اهمیت قرار داشته است. روشن است که رفتار خلفا با رفتار امامان که در محیطی سراسر طهارت و کرامت بزرگ شده‌اند، در برخورد با کنیزان قابل مقایسه نیست و یقیناً رفتار امام جنبه ارشادی داشته است.

۲. اعطای القاب و صفات نیکو به کنیزان

ائمه﵇ با دادن القاب و صفات نیکو به کنیزان خود و تکریم و احترام به آنها زمینه ارتقای جایگاه آنها را در جامعه فراهم می‌کردند. امام محمدباقر﵇، لقب مصفا به معنی پاک و خالص و پیراسته را برای حُمیده برگزید و فرمود: «**حُمیده مُصفّي مِنَ الأدنَاس**»: حُمیده از بدی‌ها پیراسته است. همچنین امام صادق﵇ در مورد حُمیده فرمود: «**حميدة في الدنيا، محمودة في الآخرة**»[۱] از حُمیده تحت عنوان سیدالاماء به معنی سرور کنیزان نیز یاد شده است.[۲] طبق روایت شیخ صدوق از محمد بن یحیی صولی، امام کاظم﵇ نام تکتم به معنی چاه زمزم را برای نجمه انتخاب کرد.[۳] شاید منظور امام از اطلاق این نام، اشاره به روح پاک و زلال و وجود پرخیر و برکت این بانو بوده است. هنگامی که امام رضا﵇، متولد شد، امام موسی کاظم﵇ لقب طاهره را برای نجمه برگزید.[۴]

مسعودی می‌گوید که امام علی‌النّقی﵇، مادرش را نزد وکیلان خود یعنی علی بن مهزیار و محمد بن فرج، زنی محفوظ از کید و پلیدی‌های شیطان و هم‌ردیف با مادر سایر صدیقان و صالحان معرفی کرده است.[۵] حُدَیث همسر گرامی امام هادی﵇ به نام‌های سلیل و حربیه نیز معروف و مشهور بود[۶] و بعدها نام جدّه به وی داده شد زیرا که جدّه حضرت حجة بن الحسن بود. گفته شده امام هادی﵇

---

۱. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۴۷۷؛ مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۱۹۰.
۲. طبری، ***دلائل الامامه***، ص ۱۴۷، مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۱۹۰
۳. صدوق، ***عیون اخبارالرضا﵇***، ج ۲، ص ۲۶.
۴. همان، ج ۲، ص ۲۶؛ مجلسی، ***بحارالانوار***، ج ۴۹، ص ۷.
۵. مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۲۲۰.
۶. اربلی، ***کشف الغمه فی معرفه الائمه***، ج ۲، ص ۴۰۳.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

سلیل را به معنی محفوظ از هرنوع آفت و پلیدی دانسته و فرموده است: «**سلیل مسلولة من الآفات والعاهات والأرجاس والأنجاس**».[۱] ائمه با اعطای این القاب نیکو و پسندیده به همسران کنیز خود، علاوه بر اظهار محبت به آنها، باعث ارتقای منزلت اجتماعی این بانوان در میان مردم شدند.

۳. اعطای مسئولیت

جایگاه حُمیده نزد امام صادق﵇ به قدری والا بود که امام وجوهات و کمک‌های خود را از طریق حُمیده و اُمّ‌فروه ـ که مادر امام صادق﵇ بود ـ به اهل مدینه پرداخت می‌کرد.[۲] همچنین امام صادق﵇ از حُمیده خواسته بودند که به زنان مدینه احکام و معارف بیاموزد.[۳] این بیانگر توجه ویژه امام صادق﵇ و امام کاظم﵇ به حُمیده بود که به او فقه و حکمت و معارف آموخته بودند[۴] و پیروان خود را برای حل مسائل فقهی به حُمیده ارجاع می‌دادند. امام، از عبدالرحمان بن حجاج که سؤالاتی در مورد حج نیابتی کودکان داشت، خواست که کنیزش را جهت دریافت پاسخ سؤالاتش و آگاهی از نحوه حج نیابتی کودکان، نزد حُمیده بفرستد.[۵] ایشان با این رفتار خود علاوه بر تأیید آموخته‌های فقهی حُمیده، بر اعتبار و جایگاه او در میان پیروان و دوستان خود افزودند.

در دوران زندگی امام هادی﵇ در مدینه، ورود و خروج شیعیان به این شهر برای دیدار با امام زیاد شد و نزدیک بود که عده‌ای از طرفداران امام، حکومت مدینه را بدست گیرند. متوکل چاره کار را بر انتقال امام هادی﵇ از مدینه به سامرّاء ـ مرکز خلافت ـ دانست و بر این باور بود که از این راه، ارتباط امام هادی﵇ با طرفدران، قطع خواهد شد و در نتیجه سخت‌گیری زیادی در این امر کرد. در سامراء امام در تنگنای سیاسی قرار گرفته و ارتباط آن حضرت با پیروانش تقریباً قطع شده بود. چنانکه امام هر از گاهی مورد استنطاق مأمورین قرار می‌گرفت[۶] و باید روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه در قصر متوکل حاضر می‌شد، درواقع امام در پادگان سامرا تحت‌نظر بود.[۷] در چنین شرایطی امام

---

۱. مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۲۴۴.
۲. کلینی، ***الکافی***، ج ۳، ص ۲۱۷.
۳. بهشتی، ***زنان نامدار***، ج ۱، ص ۸۱ ـ ۸۰.
۴. قمی، ***منتهی الامال***، ج ۲، ص ۳۳۷.
۵. کلینی، ***الکافی***، ج ۴، ص ۳۰۱.
۶. همان، ج ۱، ص ۵۰۳.
۷. ابن‌شهر آشوب، ***مناقب آل ابی‌طالب***، ج ۳، ص ۵۱۰؛ متوکل از امام می‌خواست که لباس فاخر بپوشد و مانند درباریان در رکاب وی راه برود، درحالی‌که خودش و فتح بن خاقان سواره بودند. (سید بن طاووس، ***مهج الدعوات و منهج العبادات***، ص ۲۶۶.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

هادی﵇ مسئولیت رسیدگی به امور و پاسخگویی به مسائل شرعی شیعیان را در روزهایی که حضور نداشت به حُدَیث سپرده بود و حدیث به‌عنوان یک راوی مصدق، منبع تعدادی از روایات شد.[1]

به‌نظر می‌رسد از آن جایی که حُدَیث کمتر مورد توجه و حساسیت سیاسی حاکمان زمان خود بود، امام حسن عسکری﵇ نیز از حدیث (مادر امام حسن عسگری﵇) در امور حساس و مهمی چون سپردن امام مهدی﵇ به ایشان و خارج نمودن حضرت از سامراء استفاده کرده باشند. روایات متعددی گویای این مطلب است که امام حسن عسکری﵇، قبل از شهادت، روزی با مادر خود درباره وقایع سال ۲۶۰ قمری و نحوه شهادت خویش، سخن گفته و او را از اخبار و رویدادهای آن سال آگاه کرد. سپس از او خواست که با فرزندش مهدی﵇ از سامراء به بهانه سفرحج خارج شود. حُدَیث و نواده‌اش به کمک احمد بن مطهر که از دوستان صمیمی و نزدیک امام عسکری﵇ بود به مکه رفته و سپس در مدینه ساکن شدند.[2]

دوران امامت امام حسن عسکری﵇، دوران آشفتگی خلافت عباسی بود و سران ترک بر اوضاع حکومت مسلط بودند. با وجود گرفتاری عباسیان در شورش صاحب‌الزنج، قیام یعقوب‌لیث و دیگر مدعیان حکومت، امام حسن عسکری﵇ و خانواده ایشان از سوی دستگاه خلافت، تحت شدیدترین مراقبت‌ها بودند. زیرا حکومت عباسی براساس روایات و اخباری که توسط شیعه و سنی برایشان نقل شده بود، از تولد مهدی موعود﵀ که درهم کوبنده ظلم و ستم خواهد بود، با خبر بودند. پس از تولد حضرت مهدی﵀، برای مدتی این خبر مکتوم بود تا اینکه امام عسکری﵇، وسایل مسافرت مادرش ـ حُدَیث ـ را برای بردن حضرت مهدی﵀ به مدینه فراهم کرد. نرجس‌خاتون چون ادعای بارداری کرده بود، او را تحت‌نظر گرفتند یا بازداشت کردند تا فرزندش متولد شود اما پس از مدتی ایشان از زندان آزاد و به کمک عثمان بن سعید ـ اولین نایب امام مهدی﵀ ـ به بغداد رفت و به فرزند خود ملحق گردید. مراقبت از امام مهدی﵀ مسئولیت بزرگی بود که در آن شرایط و اوضاع بر عهده نرجس گذاشته شد[3] که این اهمیت و اعتبار نرجس را نزد امام حسن عسکری﵇ نشان می‌دهد. وی در سخت‌ترین شرایط سیاسی در برابر خلفای ستمگر عباسی ایستاد و با درایت از جان امام مهدی﵀، مراقبت و محافظت نمود.[4]

---

۱. مفید، ***الارشاد***، ج ۲، ص ۱۱۲؛ مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۴۵۷.
۲. مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۲۵۶.
۳. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۵۰۳؛ صدوق، ***کمال الدین و تمام النعمه***، ج ۱، ص ۴۰.
۴. امین، ***اعیان الشیعه***، ج ۲، ص ۴۷ ـ ۴۶.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

۴. اعطای وصایت

یکی از اقداماتی که ائمه علیهم‌السلام برای ارتقای مقام امولدها انجام دادند، اعطای وصایت به آنها بود. امام صادق علیه‌السلام در وصیت‌نامه خود از حُمیده به‌عنوان یکی از جانشینان نام برده است.[۱] درواقع این اقدام برای حفظ جان امام موسی کاظم علیه‌السلام و گمراه کردن منصور عباسی بوده ولی همین موضوع که امام این بانوی بزرگوار را از بین همسران خود به‌عنوان وصی خویش انتخاب کرده‌اند، نشان‌دهنده موقعیت و جایگاه حُمیده در نزد ایشان است.

بنابر روایات و نقل‌های تاریخی، امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز تنها حُدَیث را وصی خود قرار داد، با آنکه هم فرزند داشت و هم برادرش در قید حیات بود.[۲] شیخ مفید در کتاب ***فصول العشره*** به ذکر دلایل عقلی و نقلی انتخاب حُدَیث به‌عنوان وصی و جانشین امام می‌پردازد و این کار امام را یک اقدام سیاسی قلمداد می‌کند.[۳]

هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام جامعه شیعه دچار سردرگمی و اضطراب شده و به سمت انحراف پیش می‌رفت و فشار سیاسی عباسیان نیز بر شیعیان زیاد شده بود. در این شرایط، حُدَیث که فردی توانا و بافضیلت بود، با کمک و راهنمایی حکیمه، دختر امام جواد علیه‌السلام، پناهگاه شیعیان و وصی امام معرفی شد و توانست نقش مهمی در جریانات سیاسی زمان خود داشته باشد.[۴] همچنین آورده‌اند که پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام، حکیمه، عمه آن حضرت، در پاسخ احمد بن ابراهیم که در مورد جانشین امام در زمان غیبت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، پرسیده بود، جَدّه، مادر ابومحمد (حُدَیث) را معرفی کرده و در پاسخ سخن احمد که گفته بود: آیا به کسی اقتدا کنم که یک زن را جانشین خود قرار داده است؟ در کمال درایت فرموده بود: به امام حسین علیه‌السلام اقتدا کن که خواهرش زینب را وصی خویش قرار داد.[۵]

با توجه به شواهد تاریخی، امام حسن عسکری علیه‌السلام، در روزهای سخت و آشفته سیاسی و سردرگمی شیعیان در برهه‌ای از زمان، یک زن را در امور مهم اقتصادی و دینی، وصی خویش قرار داد تا او قوت قلب و پناهگاه شیعیان باشد. دادن این مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی مهم در آن شرایط، سبب ارتقای منزلت و جایگاه حُدَیث نزد یاران امام شد. زیرا اولیای الهی با اطمینان از توانمندی فرد،

---

۱. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۳۱۰؛ طوسی، ***تهذیب الاحکام***، ج ۵، ص ۴۱.
۲. طوسی، ***الغیبه***، ص ۱۰۸ ـ ۱۰۷.
۳. مفید، ***الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد***، ص ۱۳۵.
۴. صدوق، ***کمال الدین وتمام النعمه***، ج ۱، ص ۵۰۱؛ طوسی، ***الغیبه***، ص ۲۳۰.
۵. صدوق، ***کمال الدین وتمام النعمه***، ج ۱، ص ۵۰۷.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

مسئولیت‌های بزرگ و مهم را به او واگذار می‌کنند. امام عسکری﵇ حدیث را به‌عنوان وصی[1] خود و حافظ اسرار امامت و مدافع حریم امامت معرفی کرد. حدیث در دوران زندگی و مبارزه خود توانست با دوراندیشی در تمام زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، از حریم امامت دفاع نماید.

۵. تکریم

در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، توصیه‌های ارزشمندی به مردان و زنان درباره تکریم همسر بیان شده است. در منابع آمده است که حمیده مصفی به فرزندش امام کاظم﵇ فرمود: «**یا بني ان تکتم جاریه مارایت جاریه قط افضل منها**،[2] پسرم همانا تکتم کنیزی است که هرگز بهتر از وی کنیزی ندیدم، او را به تو بخشیدم و سفارش می‌کنم با او به نیکی رفتار کنی.» پس از تولد امام رضا﵇، امام موسی کاظم﵇ به اتاق نجمه وارد شد و فرمود: «هنیئا یا نجمه کرامه ربک. ای نجمه پروردگارت به تو لطفی فرمود، بر تو گوارا باد» با توجه به خفقان حاکم بر جامعه در این زمان و ستمگری‌های بنی‌عباس، تنها افراد رازدار و مورد وثوق می‌توانستند به شناخت امام بعدی دست یابند در چنین شرایطی امام موسی کاظم﵇ با در آغوش کشیدن امام رضا﵇ او را به‌عنوان امام بعد از خود به نجمه معرفی کردند.[3]

پس از شهادت امام صادق﵇ و موضع‌گیری انقلابی و سیاسی امام کاظم﵇ و شورش‌های علویان در حجاز، منصور عباسی آن شورش‌ها را در خون فروشست و بسیاری دیگر از علویان را زندانی کرد. هادی و مهدی عباسی که درگیر تثبیت حاکمیت خویش بودند، فرصت چندانی برای اذیت و آزار موسی بن جعفر﵇ پیدا نکردند ولی هنگامی که هارون به تدبیر و کیاست برمکیان، خلافت خود را تثبیت کرد، کسانی را در مدینه مأمور کرد تا تمام اخبار مربوط به امام کاظم﵇ را به وی اطلاع دهند. در سفر هارون به مدینه، هنگامی که از نفوذ و محبوبیت و عظمت امام در میان مردم مدینه آگاه شد، از فروریختن حکومت غاصبانه خویش وحشت کرد، ازاین‌رو امام را از مدینه به عراق آورد و زندانی نمود. در این سفرهای تحمیلی، امام﵇ از میان همسرانشان، نجمه را همراه خود به بغداد برد.[4]

امام هادی﵇ در فضایل سمانه، مادربزرگوار خود نقل می‌کند که: «مادرم عارف به حق من در امامت و از اشخاص راستگو و نیکوکار بود».[5]

---

۱. طوسی، ***الغیبه***، ص ۷۵.
۲. صدوق، ***عیون اخبار الرضا﵇***، ص ۱۴.
۳. همان، ص ۱۷.
۴. قمی، ***منتهی الامال***، ص ۱۰۳.
۵. «روی محمد بن الفرج وعلي بن مهزیار، عن السید﵇ أنه قال: امي عارفة بحقي، وهي من أهل

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

۶. ارتقای اعتبار و اعتماد

درجه اعتبار و اعتماد امام موسی کاظم﵇ نسبت به کنیزان امولد آنقدرها بود که وقتی امام موسی کاظم﵇ مجبور به ترک مدینه شد، در رابطه با مدیریت ارتباط با پیروان و طرفداران، علاوه بر علی بن موسی، به اُمّ‌احمد ـ یکی از همسران امولد خود ـ توصیه‌های لازم را کرد.[۱] توصیه‌های امام به امّ‌احمد در مورد پیشوایی علی بن موسی الرّضا﵇ در حقیقت رازی بود که سخن سمیطیه و واقفیه را در امام ندانستن علی بن موسی﵇ بی‌اعتبار کرد.[۲] در حقیقت امّ‌احمد حامل سخنان و نکته‌های ارزشمندی بود که امام بعدی بتواند جامعه مسلمین را مدیریت و نهضت مخالفت با حاکمیت را زنده نگه دارد.[۳]

۷. دفاع و حمایت از آبروی همسر امولد

در پی تهمتی که برخی از اقوام امام رضا﵇ و واقفیه بر سبیکه، همسر امام رضا﵇ وارد کردند که امام محمد تقی﵇ فرزند امام رضا﵇ نیست، ایشان به دفاع از همسر نجیب خود پرداخت. ازاین‌رو عیب‌گویان و بداندیشان، از تحقیر امام دست کشیدند.[۴] به هر حال کار بدانجا کشید که قیافه‌شناسی از مدینه، نسبت امام جواد﵇ به حضرت رضا﵇ را تأیید کرد و امام از این گرفتاری بیرون آمدند. شاید دلیل خرده‌گیران این بود که چگونه امام تا میان‌سالی صاحب فرزند نبود[۵] و پس از ازدواج با خیزران صاحب فرزند شد.[۶]

نتیجه

با توجه به مدارک و شواهد تاریخی، چنین استنباط می‌شود که رویکرد حاکمان و جامعه اسلامی نسبت به کنیزان و بردگان، با رویکرد ائمه﵈ که منطبق بر قرآن بود، تفاوت اساسی داشته است. به‌طوری که در جامعه اسلامی، کنیزان خریداری‌شده، پس از بهره‌کشی جنسی، همچنان در جایگاه تحقیرگونه‌ای به‌سر می‌بردند و برخی از صاحبان کنیزان، به بهانه‌های مختلف، از پذیرش فرزندان

الجنة، لا یقربها شیطان مارد، ولا ینالها کید جبار عنید، وهي مکلوءة بعین الله التي لا تنام، ولا تتخلف عن امهات الصدیقین والصالحین». (مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۲۲۸؛ طبری، ***دلائل الإمامه***، ص ۴۱۰؛ بحرانی، ***مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علي البشر***، ج ۷، ص ۴۲۰)

۱. مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۱۹۹؛ کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. مشکور، ***فرهنگ فرق اسلامی***، ص ۳۶۱ و ۲۳۶.

۳. مسعودی، ***اثبات الوصیه***، ص ۱۹۹.

۴. طبرسی، ***اعلام الوری***، ج ۲، ص ۹۲؛ مفید، ***الارشاد***، ج ۲، ص ۲۷۵.

۵. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ۲۸۶ و ۳۲۰.

۶. مجلسی، ***بحارالانوار***، ج ۳، ص ۳۸۱.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

امولد طفره می‌رفتند و امولدها هرگز جایگاه همسران رسمی را پیدا نمی‌کردند. درحالی‌که ائمه﵇ با داشتن نگاهی انسانی ـ که برگرفته از مبانی اسلام بود به کنیزان ـ و آزاد کردن و ازدواج با آنان و با رفتار و سیره عملی خود، توانستند مقام کنیزان امولد را به‌عنوان همسر و مادران امامان معصوم﵇ ارتقاء بخشند و در نتیجه والاترین و شریف‌ترین انسان‌ها در دامان این بانوان امولد رشد و نمو یافتند. امامان شیعه با اجرای صحیح قانون امولد، نوعی راهکار عملی برای مقابله با برده‌داری درپیش گرفتند که این اقدامات و سپردن مسئولیت‌های مهم و حساس ـ مانند وصایت در امور دینی و اقتصادی و انتخاب آنان به‌عنوان حافظ اسرار امامت ـ موجب ارتقای جایگاه اجتماعی این قشر در جامعه شد. همچنین ائمه﵇ از میان این بانوان، محدثینی تربیت کردند که در شرایط ویژه مردم را رهنمون بودند. از طرف دیگر این افراد چون مادر و همسر ائمه﵇ بودند، احترام و جایگاه خاصی در میان شیعیان و محبان اهل‌بیت داشتند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابن‌اثیر، عزالدین علی، ***الکامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران***، ترجمه عباس خلیلی، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، ۱۳۵۵.

۲. ابن‌الجوزی، ابوالفرج، ***المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک***، بی‌جا، دار الکتب العلمیة، ١٤١٢ق.

۳. ابن‌شهرآشوب، محمدبن علی، ***مناقب آل ابی‌طالب***، تحقیق جمعی از اساتید نجف اشرف، نجف، المطبعة الحیدریة نجف، ١٣٧٦ق.

٤. ابن‌عبدربه، ابی‌عمر احمد بن محمد، ***عقد الفرید***، تصحیح محمدامین، قاهره، دار الکتاب العربی، ۱۳۷۲ ق.

۵. ابن‌قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله، ***عیون الاخبار***، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٨ ق.

٦. ابن‌قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد، ***المغنی***، بیروت، دار الکتاب العربیه، ۱۳۹۲ ق.

۷. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر قرشی، ***البدایة والنهایة فی التاریخ***، بیروت، دار المعارف، ١٣٩٤ ق.

۸. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، قم، نشر ادب الحوزه، ١٤٠٥ ق.

۹. ابن‌هشام، عبدالملک، ***سیرة النبویه***، بی‌جا، دار المعرفه، بی‌تا.

۱۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، ***اخبار النساء فی کتاب الاغانی***، گردآورنده، عبدالامیر مهنا، بیروت، دارالمعارف، ١٤١٣ ق.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

۱۱.ابوعلی مسکویه رازی، ***تجارب الامم***، ترجمه علینقی منزوی، تهران، توس، ۱۳۷٦.
۱۲.اربلی، علی بن عیسی، ***کشف الغمه فی معرفة الأئمه***، ترجمه علی بن عیسی زواره‌ای، تهران، نشر ادب الحوزه بی‌تا.
۱۳.اصفهانی، ابوالفرج، ***مقاتل الطالبیین***، قم، مؤسسة دار الکتاب، منشورات المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۱۴.امین، سید محسن، ***اعیان الشیعه***، تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعاریف، بی‌تا.
۱۵.انصاری، مرتضی، ***المکاسب***، قم، چاپخانه خیام، ۱٤۱۱ ق.
۱٦.بحرانی اصفهانی، عبدالله، ***عوالم العلوم و المعارف***، قم، مؤسسة الإمام المهدیﷺه، بی‌تا.
۱۷.بحرانی، سید هاشم، ***عوالم***، قم، تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی ۱۴۰۹ ق.
۱۸.بحرانی، سید هاشم، ***مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علي البشر***، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة ۱٤۱۳ق.
۱۹.بغدادی، ابن‌خشاب، ***تاریخ موالید الأئمة***، قم، مکتبة آیةالله مرعشی نجفی، ۱٤۰٦ ق.
۲۰.بلعمی، ابوالفضل، ***تاریخ‌نامه طبری***، به تصحیح محمد روشن، تهران، نشر نو، ۱۳٦۸.
۲۱.بهشتی، احمد، ***زنان نامدار***، بی‌جا، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳٦۸.
۲۲.بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، ***تاریخ بیهقی***، به‌کوشش علی‌اکبر فیاض، تهران، نشر علم، ۱۳۸٤.
۲۳.پاک‌نیا تبریزی، عبدالکریم، «نجمه خاتون مادر امام رضاﷺ»، ***نشر مبلغان***، ش ۲۱۷، ص ۳۱ـ ۲۲، قم، حوزه علمیه قم، مرداد و شهریور ۱۳۹٦.
۲۴.جبلی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، ***الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه***، بیروت، دار الهادی، ۱٤۰۳ق.
۲۵.جوادعلی، ***المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام***، بیروت، دار العلم للملایین، بغداد، مکتبة النهضه، ۱۹۷٦م.
۲٦.حتی، فیلیپ خلیل، ***تاریخ عرب***، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳٦٦.
۲۷.حرعاملی، محمد بن حسن، ***هدایت الأمه الی احکام الائمه***، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۸.حرعاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه***، قم، تحقیق مؤسسه آل‌البیت لاحیاءالتراث، چ ۲، ۱٤۰۷ ق.
۲۹.حلی، حسن بن یوسف، ***تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه***، مشهد، مؤسسه

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

آل‌البیت، بی‌تا.
۳۰.حلی، یحیی بن سعید، ***الجامع للشرایع***، قم، مؤسسه سید الشهداءالعلمیه، چ ۱، ۱٤۰۹ ق.
۳۱.حموی، یاقوت، ***معجم الادباء***، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
۳۲.دهخدا، علی‌اکبر، ***لغت‌نامه***، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳۳.ذهبی، شمس‌الدین، ***سیر أعلام النبلاء***، قم، مؤسسة الرسالة، ۱٤۰۵ ق.
۳٤.راوندی، قطب‌الدین، ***الخرائج والجرائح***، قم، تحقیق و نشر مؤسسة الامام المهدیﷺ، ۱٤۰۹ ق.
۳۵.رئیس‌السادات، سید حسین، ***تاریخ خراسان در سده نخست هجری***، مشهد، نشر جلیل، ۱۳۸۰.
۳٦.زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، ***ربیع الابرار و نصوص الا خیار***، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چ ۱، ۱٤۱۲ ق.
۳۷.زیدان، جرجی، ***تاریخ تمدن اسلام***، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵٦.
۳۸.سرخسی، شمس‌الدین، ***المبسوط***، لبنان، دار المعرفه، ۱٤۰٦ ق.
۳۹.سید بن طاووس، علی بن موسی، ***مهج الدعوات و منهج العبادات***، قم، دار الذخائر، ۱٤۱۱ ق.
۴۰.شهبازیان، محمد و نعمت‌الله صفری فروشانی، «واکاوی در هویت زندگی مادر امام زمانﷺ»، ***مجله انتظار موعود***، شماره ۳۷، ص ۱۲۸ ـ ۱۱۳، قم، مرکز تخصصی مهدویت، بهار ۱۳۸۱.
۴۱.شهیدی، جعفر، ***زندگانی علی بن الحسین***ﷺ، تهران، بی‌نا، ۱۳٦۵.
٤۲.صدوق، محمد بن علی، ***عیون اخبارالرضا***ﷺ، مهدی لاجوردی، دو جلدی، تهران، نشر جوان، چ ۱، ۱۳۷۸.
٤۳.صدوق، محمد بن علی، ***کمال‌الدین و تمام النعمه***، ترجمه تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۴۴.صدوق، محمد بن علی، ***کمال‌الدین و تمام النعمه***، علی‌اکبر غفاری، دو جلدی، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳۹۵.
۴۵.صفار، محمد، ***بصائر الدرجات***، به‌کوشش محسن کوچه‌باغی، تهران، بی‌نا، ۱۳٦۲.
٤٦.طباطبایی، سید محمدحسین، ***تفسیر المیزان***، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳٦٤.
۴۷.طبرسی، فضل بن حسن، ***اعلام الوری***، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۹۰.
۴۸.طبری، محمد بن جریر، ***تاریخ الطبری***، علی مهنا، ده جلدی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
۴۹.طبری، محمد بن جریر، ***دلائل الأمامه***، قم، نشر بعثت، ۱۴۱۳ ق.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

۵۰.طوسی، محمد بن حسن، ***الغیبه***، بنیاد معارف اسلامی قم، تهران، مکتبه نینوی، ١٤١١ ق.
۵۱.طوسی، محمد بن حسن، ***المبسوط فی فقه الامامیه***، محقق، محمدباقر بهبودی، تهران، مکتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
۵۲.طیبی، ناهید، ***زیست‌نامه مادر امام رضا***ﷺ، مشهد، چاپ به نشر (آستان قدس رضوی)، ۱۳۹۹.
۵۳.عصامی، عبدالملک بن حسین، ***سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل والتوالی***، بیروت، دار الکتب العلمیة بیضون، ١٤١٩ ق.
٥٤.علوی، علی بن محمد، ***المجدی فی انساب الطالبین***، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی النجفی، چ ۲، ١٤٢٢ ق.
٥٥.عمید، حسن، ***فرهنگ فارسی عمید***، تهران، میلاد نور، ۱۳۸۹.
٥٦.عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر، ***قابوس‌نامه***، به‌کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
٥٧.غزالی، ابوحامد محمد، ***کیمیای سعادت***، به‌کوشش حسین خدیوجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ایران ١٣٧٤.
۵۸.فراهیدی، خلیل بن احمد، ***کتاب العین***، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، بی‌جا، دار الهجره، ١٤٠٩ ق.
٥٩.قمی، عباس، ***منتهی الامال***، قم، هجرت، چ ۵، ۱۴۱۲ ق.
٦٠.کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ٤، ۱۴۰۷ ق.
٦١.کوئن، بروس، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ترجمه غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران، سمت، چ ۱۷، ۱۳۸۵.
٦٢.مجلسی، محمدباقر، ***بحار الانوار***، ۱۱۱ جلدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
٦٣.مختاری مازندرانی، محمدحسین و علی‌اصغر مرادی، ***فرهنگ اصطلاحات فقهی***، تهران، انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷.
٦٤.مسعودی، علی بن حسین، ***اثبات الوصیه***، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۶۵.مسعودی، علی بن حسین، ***مروج الذهب و معادن الجواهر***، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
۶۶.مشکور، محمدجواد، ***فرهنگ فرق اسلامی***، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵.
٦٧.معین، محمد، ***فرهنگ لغت***، گردآورنده عزیزالله علیزاده، تهران، ادنا، ۱۳۸۱
۶۸.مفید، محمد بن نعمان، ***الارشاد فی معرفة حجج‌الله علی العباد***، ترجمه سید هاشم رسولی

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]

محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۴۱۳ ق.

٦٩.ملک، ج.، ***جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی***، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چ ۳، ۱۳۷٤.

۷۰.مهدوی دامغانی، احمد، شاهدخت والاتبارشهربانو والده معظمه حضرت امام علی بن الحسین سجاد علیه السلام، ***ضمیمه آیینه میراث***، ۱۳۸۸.

۷۱.میرشریفی، سید علی، ***سرنوشت اسیر در اسلام***، تهران، سمت، ۱۳۹۵.

۷۲.نجفی، محمدحسن، ***جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

۷۳.یعقوبی، ابن‌واضح، ***تاریخ یعقوبی***، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۷۶.

74. J. G. Lorimer, ***Gazetteer of the Persian Gulf***, 'Oma n, and central Arabia , compl. and ed. L. Birdwood, Calcutta 1908-1915, repr.1970.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.5.0]